



درواقع گاه این نوع مظلوم نمایی ها منجر به دلخوری های دوسویه و البته ایجاد حواشی بسیاری در سینمایی شود که نتیجه آن به نفع هیچ یک از طرفین نیست.

#### رکوردداران

سینمای ایران در طول ۳۶ سال فعالیت در حالی داشته های خود را روی پرده سینما به عرضه مخاطبان می کند، که آنچه روی پرده سینما هارفته به واقع تمام بضاعت هنرمندان این عرصه نبوده است.

بسیاری از فیلمسازان بعد از ساخت فیلم با مسئله ممیزی مواجه شدند. گاهی این ممیزی ها به اندازه ای بود که اعمال آن ها به کلیت فیلم ضربه می زد. به همین خاطر بسیاری از کارگردان ها زیر بار ممیزی ها نرفته و ترجیح دادند فیلم هایشان پشت درهای بسته اکران بهمانند. اما بیشترین فیلم های سینمایی سال های ۸۴ تا ۸۸ توقیف شده است. البته ممکن است برخی فیلم ها عنوان شده بنا به دلایلی چون نداشتن مخاطب اکران نشده باشند، اما در هر حال در دوران معاونت محمد رضا جعفری جلوه بیش از ۷۰ فیلم فرصت اکران روی پرده سینما ها نیافتند. با پیگیری های به عمل آمده فقط در دو سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ تنها یک فیلم اکران نشده وجود دارد و بر اساس جدول ارائه شده، در سال ۱۳۶۴ همه فیلم ها اکران شده اند.

ابوالفضل جلیلی با هشت فیلم اکران نشده، رکورد دار ممیزی و توقیف در فیلم است. البته کمال تبریزی هم چند فیلم اکران نشده از دهه ۶۰ و بعد از آن در دهه ۸۰ دارد. فرهاد مهرانفر، مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی، محسن مخملباف، محمد علی نجفی، عباس کیارستمی، جعفر پناهی، ابوالقاسم طالبی، کیانوش عبیاری، فرزاد مومتن، داریوش مهرجویی و در پی آن فیلمسازان نسل جوان، هر کدام یک تا چند فیلم اکران نشده دارند و در پرونده سال ۸۵ بیشترین تعداد فیلم های اکران نشده با ۲۵ عنوان به ثبت رسیده است.

با همه این اوصاف؛ سینمای ایران همیشه با ممیزی همراه بوده در حالی که ما به سینمای ضد سانسور و ممیزی نیاز داریم و این را با همدلی و همراهی سینماگران و مسئولان می توان به دست آورد. هر قدر که مسئولان سینمایی نیازمند اصلاح در نقطه نظرات و برخی دیدگاه ها هستند، سینماگران هم نیازمند بازنگری در موضوعات و البته پرداخت هایی هستند که ممکن است به فیلم و سینما آسیب بزند. چرا که ما داستان ها و سوزده های اجتماعی و تاریخی بسیاری داریم که قابلیت تصویری شدن را دارند.

و هنر هیچ جایی ندارد و ما خود را از آنها بالاتر و بهتر از آنها بدانیم. اما شیوه دیگر مدیریت این است که بنا را بر اعتماد بگذاریم. اهالی فرهنگ و هنر که به درجات مختلف، دلبسته ایران هستند و نظام را قبول دارند امکانات بهتری برایشان وجود داشت که کشور را ترک کنند ولی ماندند.

ایوبی از همان ابتدا گفت که برای اکران آمده و نه توقیف اما این اتفاق در زمان ریاست خودش در سازمان سینمایی هم رخ داد و در مورد فیلم "عصبانی نیستم" و "قصه ها" گفت: ما و مجلس بنای مان بر اکران است ولی در عین حال حساسیت هایی هم وجود دارد که باید همه تلاش کنیم آن ها را به حداقل کاهش دهیم. در باره این دو فیلم هم تقریباً اجماع را در کمیسیون فرهنگی دیده ام و بیشتر آن ها تایید می کردند که فیلم ها اجتماعی هستند.

#### جرا سینماگران چنین فیلم هایی می سازند؟

سؤال اصلی این است که اصلاً چرا فیلمسازان چنین فیلم هایی می سازند که با مشکل مواجه شود، مگر مسئول نظارت و ارزشیابی فیلمنامه مورد نظر را نخوانده که برای آن مجوز صادر کرده است. اگر هم خوانده، چه تناقضی میان متن و اثر وجود دارد که چنین مشکلاتی را شاهدیم. برخی اوقات مسئولان اداره نظارت و ارزشیابی می گویند که بخشی از فیلم در فیلمنامه نیامده و یا فیلم به نحوی ساخته شده که مفهوم آن مغایر با فیلمنامه است و این جاست که علامت سؤال ها نمایان می شود. اگر صحنه ای در فیلمی بیش از آن چیزی باشد که در فیلمنامه است، باید با آن برخورد شود و اگر غیر از این است، مسئولان این اداره باید با صاحب اثر، قاطعانه برخورد کنند ولی در صورتی که مسئولان متن را کامل خوانده و تایید کرده اند و فیلم هم بر همان اساس ساخته شده، تغییر در درک مفهوم توسط مسئولان اداره نظارت، هیچ معنی خاصی جز کار شکنی و حاشیه سازی ندارد.

بنابر این کار شناسان و مسئولان این اداره، وظیفه سنگینی بر عهده دارند. اما سؤال دیگر این است که با توجه به این که سال ها از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته، سینماگران هم باید شناخت کافی نسبت به رویه و کار فیلمسازی خود داشته باشند و دیگر بعد از این همه سال، اشراف کاملی به خط قرمز ها و نگاه مسئولان است. مسئولان داشته باشند چرا که در اثر یک تغییر ممکن است فیلمشان به محاق توقیف برود و در این میان خودشان بیشترین لطامات مادی و معنوی را متحمل می شوند و این گونه اتفاقات و فیلم ها گاه تا جایی پیش می رود که به نظر می رسد برخی با آگاهی تمام نسبت به تولید اثر توقیف شده، اقدام کرده اند و این مسئولان هستند که از هر گونه همکاری با سینماگران خودداری می کنند.

عمومی نیست بنابراین و به همین دلیل هم ما اعلام کردیم که نمی توانیم اکران عمومی کنیم. در همان زمان او اظهار نظر جالبی داشت و گفت که در حد محدودی به صورت خصوصی مثل موزه سینمایی توانیم اکران کنیم. آن هم با شرایط ویژه سنی یعنی افراد کمتر از ۱۶ سال نمی توانند در نمایش و اکران حضور یابند. جنتی همان زمان گفت که اگر بخش اول را که پدری دختر خود را با یک وضع فجیع زنده به گور می کند حذف کنیم کل داستان از بین می رود، بنابراین چون قابل اصلاح نیست قابل اکران عمومی هم نیست و در حد محدود ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

البته ایوبی هم در خصوص اکران نشدن فیلم، از طریق شبکه های اجتماعی عذر خواهی کرد و گفت: از همه کسانی که از فراهم نشدن زمینه های اکران فیلم خانه پدری در گروه هنر و



تجربه از رده خاطرند، پوزش می طلبم. به امید روز های بهتر برای سینمای پر افتخار مان.

#### نظر مدیر فعلی در مورد ممیزی

رئیس سازمان سینمایی کشور معتقد است که برای مدیریت فرهنگی کشور دو نگاه وجود دارد؛ یکی نگاه سختگیرانه، یعنی تا جایی که مدیر می تواند ایجاد محدودیت کند، با این امید که با وجود سختگیری و محدودیت ها، مدیران بتوانند فیلتر هایی درست کنند تا در عرصه مدیریت فرهنگی کشور نمره قبولی بگیرند. نمونه بارز آن را در عرصه سینما دیدیم. اگر چهار سال دولت قبلی را دوران سختگیرانه تلقی کنیم که مدیریت سینمای کشور مقابل بخش عمده ای از سینما ایستاد، نتیجه این شد که خیلی از فیلمسازانی که فیلم های خوب و شریف متناسب با ارزش های نظام جمهوری اسلامی ایران، ساختند، این سختگیری ها را تاب نیاوردند. اگر اکران فیلم های دو، سه سال گذشته را مرور کنید، خواهید دید سینما به چه وضعیتی افتاد و چه فیلم هایی ساخته شد که کمیسیون فعلی فرهنگی مجلس ناراحت و نگران این شیوه مدیریت بودند. شیوه ای که در آن اعتماد به اهالی فرهنگ

